

مالیات واجب است، اما...



به نام او که هر چه بخواید همان می شود

حکایت می کنند که در دوران ماضی دور، خزانه شاهی خالی شده بود و وزیر و خادمان دربار گرد هم آمدند و به دنبال راه چاره گشتند، وزیرالوزرا، وزیر خزانه‌داری، رئیس نظمیه و بلدیه و بقیه ابواب جمعی به این نتیجه رسیدند که مالیات بر شورت مردم را به داروغه ابلاغ کنند.

داروغه هم مردم را در میدان شهر جمع کرد و گفت: بیخود همه‌همه نکنید، مالیات بر شورت از قدیم‌الایام در این ملک رایج بوده و به دستور شاه شاهان، چند صباحی نگرقتیم، حال خزانه خالی شده است و باید بپردازید، پس آرام باشید و بدون سر و صدا، به خزانه‌دار مراجعه کنید و کارت بکشید. لیست مالیات‌ها را هم جارجی در سرمیدان اعلام کرده و بر رقعۀ نوشته و بسر درخت بلند اعدام، اعلام کرده‌ایم و در روزنامه وزین شما هم چاپ می‌کنیم.

شورت قرمز، شش سکه

شورت آبی، پنج سکه

شورت سفید، چهار سکه

شرت راه راه، سه سکه

شورت پاچه بلند، دو سکه

شورت مامان‌دوز، یک سکه

شورت سیاه، نیم سکه

شورت خارجی، ده سکه

شورت خاک بر سری، صد سکه

و داروغه مجموعاً ۲۰۹ نوع مالیات بر شورت را برشمرد و جارجی فریاد کرد.

زیر کی گفت: داروغه من شورت به پا ندارم!

داروغه خندید و گفت: تو معاف از مالیاتی، فقط باید شلوار خویش تا به زانو پایین بکشی، تا ممیزین بررسی کنند، آن هم در اتاقی دیگر دور از چشم خلق که حرم اخلاقی شکسته نشود.

سپس داروغه فریاد زد: هر کس که می‌گوید شورت به پا ندارم، سریعاً شلوار را از تن برد کند تا ممیزها به حساب‌تان رسیدگی کنند.

فریاد و فغان بلند شد.

داروغه، لبخندی زد و گفت: البته راه ساده‌تری هم هست، مالیات علی‌الرأس بر شورت، نفری ۳ سکه بدهید توافق کنید و بروید. چه شاهکاری، مردمان خوشحال، داروغه خوشحال، انبوه سکه‌ها بود که وارد کیسه شد و جماعت به جان داروغه دعا و ثنا کرده و همه دست در جیب یکدیگر به ادامه حیات و ممات مشغول گشتند. آن سال دولت کسری بودجه نیاورد و متمم بودجه نداد و از بانک مرکزی و بانک‌های دیگر هم قرض نگرفت و خزانه پر شد و خزانه‌دار خوشحال به شرف عرض ملوکانه رساند که مردم با عشق به اعلیحضرت، مالیات خود را برای بقای سلطنت پرداخته‌اند.

خارج از طزنی که در قصبه بالا وجود دارد، معمولاً کفگیر دولت‌ها که به ته دیگ بخورد، نخستین کار رفتن به‌سراغ مالیات گرفتن از شورت مردم تا-تامویل لوکس خانه آنها و بعد هم گران کردن آب و برق و تلفن و گاز و بنزین و هر آنچه تحت‌عنوان خدمات دولتی بتوان از عایدی جیب ملت برداشت کرد.

گرفتن مالیات توسط دولت‌ها یک امر بدیهی، قانونی، درست و واجب است. به‌همین دلیل در یک گوشه جهان می‌بینیم که مردم با اطمینان، ذوق و شوق، قرض‌های مالیاتی را بر می‌کنند و مالیات‌های خود را می‌پردازند، چون مالیات را بخشی از سرما به پنهان خود می‌دانند که برای خودشان خرج می‌شود، دبستان و دبیرستان و دانشگاه و بیمارستان و خیابان و پل و جاده می‌سازند و آنها و خانواده و دوستان و همشهریان و هموطنان‌شان از آن استفاده می‌کنند و لذت می‌برند.

در یک گوشه دیگر جهان، مردم با ناراحتی و خشم آشکار و پنهان با موضوع مالیات برخورد می‌کنند، زیر نتیجه پرداخت‌های مالیاتی خود را در سید زندگی خویش نمی‌بینند.

نتیجه پرداخت‌های گوناگون به سازمان‌های دولتی را در زندگی اجتماعی شاهد نیستند، باتوجه به ثروت لایزال و خدادادی نفت و گاز و طلا و صدها ماده معدنی دیگر، به همراه مالیات‌ها، بازمهر در آب و برق و گاز و بنزین و هزار چیز دیگر، به قول مقام محترم ریاست‌جمهوری، ناترازی داریم. به‌طورمثال، همه پرداخت‌ها و عوارض گوناگون به شهرداری تهران که باید خرج آسفالت و خیابان و نظافت شهری و پارک و گل و سبزه شود، فقط برای بیلپور دسارزی و شعار دادن هزینه می‌شود و شهرداری که شهر را باید اداره کند، به شهردار تابلو و تبلیغات تبدیل شده است.

به‌زبان ساده، دریافت مالیات و هر گونه عوارض دولتی باید کارنامه داشته باشد و دولت‌ها بگویند، این دریافت‌ها را چه کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد یک دولت متورم از نیروی انسانی ناکارآمد که با هر چرخش مدیریتی چهارساله، متورم‌تر می‌شود و فک و فامیل بیشتری جذب حقوق بی‌دردر دولتی می‌شوند، بالاترین مصرف‌کننده مالیات، مردم هستند.

مشاغل گوناگون و به‌ویژه تولیدکنندگان به‌طوردامنی از شاخص‌های مالیاتی نمی‌نالند و بسیاری از اصناف، اداره مالیات و تأمین‌اتماعی را نه‌تنها حامی خود نمی‌دانند، معتقدند که این دو سازمان، ازدهای دو سر و پاشنه‌آشیل دولت‌ها، برای تعطیلی کار و بار مردم، خواهند بود.

در یکی دو سال قبل، رئیس سازمان امور مالیاتی وقت اعلام کرد که با مالیات مقطوع موضوع تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم، حدود ۴ میلیون نفر از اصناف و مشاغل، با بعد صفر، قطعی و نهایی شد.

اما بعد از این خبر، بسیاری از اصناف در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفتند که کی؟ کجا؟ کدام صنف؟ کدام مشاغل؟ کدام اتحادیه شامل این خبر شده است؟ ۴ میلیون نفر؟ نکند خدای نکرده ایشان عدد را نمی‌شناسد؟ صفر یعنی هیچ؟ یعنی از ۴ میلیون کاسب هیچ دریافت نشده است؟

در شرایطی که ما هر روز شاهد مالیات‌های جدید هستیم و از مالیات بر خانه خالی تا خودرو ۵۰۰ سال کرده و مالیات بر دستگاه پوز فروشگاه‌ها و ارزش‌افزوده بر یک ساندویچ تا مالیات بر خرید شارژ گوشی بی‌اهمیت و نقشه‌برای گرفتن مالیات بر سپرده‌های مردم و وجود بیش از هزار نوع عوارض دیگر در کشور که توسط سازمان‌های دولتی دریافت می‌شود، مالیات بر شورت را هم می‌توان در آینده مشاهده کرد.

آقای وزیر اقتصاد، حضورتان مبارک باد.

که تحصیلکرده دانشگاه شیکاگو و استفنورد و این‌ور و آن‌ور دنیا هستید، به هوش و به گوش باشید که مالیات بر نفس کشیدن، آخرین مالیاتی خواهد بود که راه نفس سازمان مالیاتی کشور و این وزارتخانه و... را هم خواهد بست.

هرچه زودتر و دراین شرایط سخت زمانی، فکری برای سازمان مالیاتی و این هزاران عوارض دولتی بکنید.

تنها به جیب دولت فکر نکنید، جیب مردم را هم در نظر بگیرید، این پول ملی است که دارد می‌میرد.

اقتصاد و توسعه

editor@smtnews.ir

ابزار توسعه یا عامل نارضایتی

تا ۷ درصد است که بسیار پایین‌تر از استانداردهای جهانی است. این ضعف ناشی از مجموعه‌ای از چالش‌هاست؛ از جمله گستردگی اقتصاد زیرزمینی، فرار مالیاتی گسترده، معافیت‌های غیرهدفمند، نبود پایگاه جامع اطلاعات اقتصادی و ضعف فرهنگ مالیاتی در جامعه. در چنین شرایطی، بار اصلی مالیات بر دوش اقشار شفاف مانند حقوق‌بگیران است و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و گروه‌های خاص عملاً از شمول مالیات فرار می‌کنند. رفع این مشکلات، لازمه تحقق عدالت مالیاتی و حرکت به‌سوی اقتصادی پایدار و مقاوم است.

در این شماره **سمن** به‌مناسبت روز ملی مالیات به پرداخت این الزام قانونی از نگاه فعالان اقتصادی و مشکلات و کاستی‌های نظام مالیاتی ایران پرداخته‌ایم.

فرار مالیاتی، گلوله‌برف غلطان

موجود همچنین شرایط خاص کشورهای همسایه نیز به‌عنوان محرکی موثر در فرار مالیاتی مطرح هستند.

باتوجه به آثار زیانبار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و برای مقابله با این گلوله برف غلطان، اصلاحات اساسی و موثر با هدف ایجاد شفافیت و انضباط مالیی در قانون مالیات‌های مستقیم صورت گرفته است؛ اجرای طرح جامع مالیاتی با استقرار و بکارگیری بانک‌های اطلاعاتی از حساب‌های بانکی تا اطلاعات هویتی، املاک و معاملاتی افراد و اطلاعات بارنامه‌های حمل‌ونقل کالا از یک‌سو و تدوین و تعریف جرم مالیاتی برای متخلفان و وضع مجازات‌های کیفری علاوه بر جرایم مالی، همچنین اصلاح برخی روش‌های غیراصولی تعیین مالیات از جمله تشخیص علی‌الرأس برمبنای برآوردهای فاقد مبانی کافی و لازم و شرایط خاص هر بنگاه اقتصادی از سوی دیگر، مهم‌ترین موارد موثر بر فرارهای مالیاتی خواهند بود.

با اجرایی شدن طرح جامع مالیاتی و استفاده سازمان امور مالیاتی از اطلاعات بانک‌های اطلاعاتی، به‌طورطبیعی می‌توان انتظار داشت نوری بر تاریکخانه‌های اقتصادی تابیده شده و بخش باهمینی از فعالیت‌های غیرشفاف و فاقد شناسنامه آشکار شوند. بدیهی است، در این حالت مالیات فراگیرتر و منصفانه‌تر و تقریباً از تمامی فعالان اقتصادی و صاحبان درآمد اخذ خواهد شد؛ این گسترش مشمولان مالیات، فشار مالیاتی را تقسیم کرده و از تحمیل ناعادلانه آن به‌ویژه بر بنگاه‌های شناسنامه‌دار جلوگیری می‌کند؛ از طرفی با نظم‌دهی به فضای کسب‌وکار، شرایط را برای فعالیت‌های مولد و ارزش‌آفرین اقتصادی مهیا کرده و موجب خروج پول‌هایی با منشأ نامشخص و خلاقکاران اقتصادی خواهد شد.

اجرا کردن این طرح بدون تردید هزینه‌های مالی، اعتباری و سیاسی برای دولت به‌دنبال خواهد داشت و باتوجه به قدرت و ثروت بخش غیررسمی اقتصاد با چالش‌های فراوان روبه‌رو خواهد بود؛ در این شرایط انتظار این است که فعالان اقتصادی شناسنامه‌دار که تاکنون بار مالیاتی بخش مخفی اقتصاد را به‌دوش کشیده‌اند، اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های صنفی و تمامی افراد موثر بر فضای کسب‌وکار، دوشادوش دولت و سازمان امور مالیاتی به میدان آمده و از ظرفیت‌های خود در این راستا استفاده کنند.

نشان می‌دهد هیچ اقتصاد قدرتمندی بدون اتکای جدی بر درآمدهای مالیاتی شکل نگرفته است. تحقق این مهم در ایران نیز نیازمند مبارزه با فرار مالیاتی، اصلاح معافیت‌های غیرضرور و فرهنگ‌سازی در جامعه برای ارتقای مسئولیت‌پذیری مالیاتی است؛ چراکه مالیات، نه هزینه‌ای تحمیلی، بلکه سرمایه‌گذاری بلندمدت برای توسعه و رفاه عمومی است. در اقتصاد کشورهای پیشرفته، مالیات منبع اصلی تأمین مالی دولت و موتور اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شود. در این کشورها، بخش عمده بودجه عمومی، از جمله هزینه‌های آموزش، بهداشت، زیرساخت‌ها و حمایت‌های اجتماعی، از محل مالیات تأمین می‌شود.

اما در ایران، مالیات هنوز نتوانسته جایگاه واقعی خود را در اقتصاد پیدا کند. نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی حدود ۶

لحظه به‌شکلی تصاعدی افزایش جمعی و مقداری یافته و آثار مخرب آن بیشتر می‌شود؛ دامن زدن به بخش غیررسمی اقتصاد و گسترش آن، گریز سرمایه از کشور، از بین رفتن منابع، جذابیت برای ورود پول‌های کثیف و حضور خلاقکاران در عرصه اقتصاد از جمله پیامدهای فرارهای مالیاتی است؛ این وضعیت اگر نهادینه شود و تداوم و گسترش پیدا کند، حتی می‌تواند منجر به بحران‌های اجتماعی و سیاسی شود.

باتوجه به آثار مخرب و بااهمیت موضوع، نظام‌های اقتصادی و سیاسی همواره به‌دنبال استقرار شرایطی در فضای کسب‌وکار هستند که حتی‌الامکان از فرارهای مالیاتی جلوگیری شود یا حداقل شرایط دشواری برای اقدام به گریز مالیاتی فراهم شده و مخاطرات بااهمیتی بر کسانی که به‌دنبال عدم‌پرداخت مالیات منصفانه هستند، تحمیل شود؛ با ایجاد شفافیت مالیی و انضباط پولی موثرترین گام برای جلوگیری از فرارهای مالیاتی برداشته می‌شود؛ رصد و بررسی حساب‌های بانکی و وجوه در گردش، معاملات ارزی، معاملات سهام و فلزات گران‌بها و حتی عتیقه‌جات از سوی سازمان امور مالیاتی به‌گونه‌ای موثر و حداکثری منجر به افشا و ابراز قابل‌قبول فعالیت‌های مالی و پولی فعالان اقتصادی در چارچوب اظهارنامه و سایر صورت‌های مالی ارائه‌شده به سازمان امور مالیاتی می‌شود.

بررسی و نظارت بر شبکه حمل‌ونقل و جابه‌جایی فیزیکی انواع کالاها نیز با ایجاد ریسک قابل‌توجه برای کسانی که به‌دنبال فرار مالیاتی هستند، به‌گونه‌ای موثر باعث جلوگیری، کشف و شناسایی اقدامات منجر به فرار مالیاتی خواهد شد؛ به‌عنوان مکمل، برقراری و وضع جرایم بازدارنده با ضمانت‌های اجرایی کافی برای متخلفان و اجرای مجازات‌های مقرر نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری و کاهش فرارهای مالیاتی خواهد داشت. در ایران باتوجه به حجم اقتصاد غیررسمی در زمینه جابه‌جایی وجه نقد، معاملات ارزی، فلزات گران‌بها و سهام، همچنین نظر به ناکافی بودن اطلاعات در دسترس واردات، صادرات و جابه‌جایی انواع کالاها، به‌گونه‌ای منطقی می‌توان فرار مالیاتی را در سطح بااهمیت پیش‌بینی کرد. وضعیت جغرافیایی، بین‌المللی، سیاسی و اجتماعی

بازنگری مدل تاب‌آوری اقتصادی

دستور کار گفت‌وگوی ملی قرار گیرد؛ منشوری که تلاش

می‌کند اصولی مشترک برای تعامل در اقتصاد ایران طراحی کند و در دل آن، ضرورت عدالت، بهره‌وری و شفافیت را با زبان امروزی بازتعریف کند، اهمیت تاب‌آوری در آن بیش از پیش موردتوجه قرار گیرد.

این منشور بر چند اصل راهبردی استوار است:

۱. باز تعریف نقش دولت (و البته حاکمیت) در اقتصاد: دولت باید از یک بازیگر اقتصادی پرهزینه، به

تنظیم‌گری شفاف، هوشمند و پاسخگو تبدیل شود. این گذار، نیازمند نوسازی حکمرانی اقتصادی برپایه داده، اعتماد و قانون‌مداری است.

۲. تعهد متقابل بخش خصوصی و جامعه: بخش خصوصی باید در برابر بهره‌برداری از منابع ملی، متعهد به توسعه پایدار، اشتغال، مالیات‌پذیری و مسئولیت اجتماعی باشد. جامعه نیز باید از انتقاد صرف عبور کرده و به مشارکت ساختاری در تصمیم‌سازی روی آورد.

۳. عدالت در توزیع فرصت‌ها (نه فقط منابع): ایجاد دسترسی برابر

به زیرساخت‌های آموزش، داده، سرمایه و بازار برای اقشار مختلف، از جمله زنان، جوانان، مناطق محروم و مشاغل نوین (نظیر فریلنسرها و دیجیتال‌ورکرها)، یک ضرورت بنیادین است.

۴. باز آفرینی سرمایه اعتماد ملی: گفت‌وگوی واقعی در اقتصاد تنها در بستری از شفافیت، مشارکت مدنی و حضور نهادهای مستقل شکل



سایدنا آباری – رئیس کمیسیون فناوری

اطلاعات و ارتباطات اتاق ایران: تجاوز اسرائیل و بی‌ثباتی منطقه‌ای، ما را ناگزیر از بازاندیشی در مدل تاب‌آوری اقتصادی و دیپلماسی تجاری می‌کند. منشور نوین اقتصادی – اجتماعی باید پاسخی برای مدیریت اقتصاد در شرایط پرریسک و ناپایدار منطقه‌ای ارائه دهد. در دورانی که چالش‌های اقتصادی کشور با بحران‌های اجتماعی، فناوریانه و ژئولیتیکی

درهم‌تنیده‌اند، همراه با وقوع تجاوزی ناجوانمردانه، تدوین هیچ راه‌حل پایداری، بدون گفت‌وگوی همگرا و ساختارمند میان همه بازیگران، ذی‌نفعان و همه افراد موثر از نظر اقتصادی ممکن نخواهد بود. آنچه امروز با آن مواجهیم، صرفاً رکود یا نوسانات تورمی نیست، بلکه بحرانی عمیق در مناسبات دولت، مردم و اقتصاد است؛ ازمهم گسیختگی اعتماد، ناهمخوانی انتظارات و تعریف نشدن نقش‌ها. در این شرایط، ما نیازمند یک قرارداد اجتماعی – اقتصادی نوین هستیم؛ توافقی جدید و شفاف میان حاکمیت، بخش خصوصی، نیروی کار، جامعه و نسل آینده درباره اینکه چه کسی، چه مسئولیتی دارد و چه حقوقی در افق درازمدت باید تضمین شود. این قرارداد یک سند حقوقی نیست، بلکه مستند سیاست‌گذاری و الگوی جدید مشارکت اقتصادی است. در این چارچوب، تدوین و ترویج یک «منشور نوین اقتصادی اجتماعی» می‌بایست در

سیدمحمدباقر رضوی تقوی – فعال اقتصادی:

بخش خصوصی هرگز با اصل پرداخت مالیات مخالفتی نداشته و ندارد، اما شیوه دریافت مالیات، نحوه هزینه‌کرد آن از دغدغه‌های جدی فعالان اقتصادی است. اما فشار مالیاتی در غیاب زیرساخت‌های صنعتی، کمر تولید را خم کرده و در شرایط بحرانی امروز تولید، ناعادلانه و بازدارنده است.

در کشورهای توسعه‌یافته‌ای نظیر آلمان، دولت‌ها بخش عمده درآمد خود را از محل مالیات تأمین می‌کنند، اما در مقابل، خدمات زیرساختی مناسبی نیز ارائه می‌شود، در حالی که در کشور ما، باوجود پرداخت مالیات، تولیدکنندگان همچنان با کمبود شدید زیرساخت‌هایی مانند برق، گاز، آب، فاضلاب و جاده در شهر ک‌های صنعتی مواجهند.

در اصل پرداخت مالیات باید منجر به بهبود شرایط تولید شود، اگر زیرساخت‌های لازم در حوزه صنعت فراهم شود، تولیدکننده با آرامش و اعتماد بیشتری فعالیت خواهد کرد، اما امروز صنعتگران با فقدان زیرساخت‌هایی همچون آب، برق و گاز مواجهند؛ در حالی‌که موظف

«**یادداشت**»



افشین محمودیان‌مقدم – کارشناس امور مالیاتی:

در یک اقتصاد سالم، شفاف و منضبط، صاحبان درآمد و فعالان اقتصادی همواره در پی دستیابی به شرایطی هستند که براساس قوانین و مقرارت، امکان استفاده از مزایا، معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی و در آخر پرداخت مالیات حداقلی را فراهم آورد. این رفتار متکی بر قانون و در نهایت در راستای اهداف کلان اقتصادی زیربنای وضع قوانین است؛ برای مثال در کشورهای نظیر آمریکا حسابداران عضو جامعه حسابداران رسمی یکی از وظایف‌شان، تعیین حداقل مالیات قابل‌پرداخت بنگاه‌های اقتصادی است؛ در مقابل باتوجه به جذابیت و منافع عدم‌پرداخت مالیات، عده‌ای در هر حال به‌دنبال استفاده از روش‌های غیرقانونی و غیرمنصفانه برای تحمل بار مالیاتی کمتر هستند.

هرچقدر اقتصاد ناسالم‌تر و دارای بخش غیررسمی بزرگ‌تر باشد، بستر مناسب‌تری برای رفتارهای غیرقانونی مالیاتی و عدم‌پرداخت مالیات متناسب و واقعی ایجاد می‌شود؛ علاوه بر فضای اقتصاد غیرشفاف، وضعیت فرهنگی و تاریخی حاکم، اوضاع بین‌المللی و سیاسی، فضای دینی و مذهبی، وضعیت ثروت و دارایی‌های خدادادی کشور و حتی موقعیت جغرافیایی نیز به‌شدت در شکل‌گیری تمایل به گریز مالیاتی و پذیرش مخاطرات احتمالی آن موثر هستند؛ در هر حال بدیهی است که نخستین انگیزه در بکارگیری روش‌هایی برای فرار از مالیات، افزایش ثروت و منافع فردی است. افرادی که به‌دنبال فرار مالیاتی هستند، با بررسی شرایط حاکم بر فضای اقتصاد با برنامه‌ریزی مدون از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف استفاده کرده و در ساده‌ترین شکل با کتمان درآمدها و افشا نکردن کامل منافع فعالیت‌های خود تا بکارگیری سیاست‌ها و روش‌های پیچیده و متهورانه در تهیه و تنظیم صورت‌های مالی و اظهارنامه‌های مالیاتی تلاش می‌کنند، مالیات کمتری بپردازند. شانه خالی کردن از پرداخت مالیات منصفانه و واقعی از سوی بخشی از اقتصاد، در نخستین گام بر بازار رقابتی تاثیر می‌گذارد و به‌دلیل آثاری که ایجاد می‌کند، سایر فعالان اقتصادی را نیز به حرکت در این مسیر می‌کشاند؛ فرار مالیاتی مانند گلوله‌برفی که می‌غلند، پس از شروع هر

«**یادداشت**»

فشار مالیاتی‌کمر تولید را خم کرده است

به پرداخت مالیاتی هستند که هیچ بازگشت مستقیمی برای آنها ندارد. این در حالی است که این گونه فشارهای مالیاتی در غیاب زیرساخت‌های صنعتی، کمر تولید را خم کرده و در شرایط بحرانی امروز تولید، ناعادلانه و بازدارنده است. مشکلاتی نظیر قطع مکرر برق، هزینه‌های سنگین تأمین آب و افزایش چندبرابری نرخ گازوئیل، مستقیماً بر نرخ تمام‌شده تولید اثر می‌گذارد. با این حال، نظام مالیاتی کشور این فشارهای اقتصادی را نادیده می‌گیرد. بدتر از آن، مبنای محاسبه مالیات صرفاً براساس عملکرد مالی سال گذشته مودیان است، بدون آنکه به کاهش تولید یا زیانده بودن شرکت‌ها توجه شود.

ما به‌دنبال شفافیت، عدالت مالیاتی و حمایت واقعی از تولید هستیم، اگر صنعتگر را زیر بار مالیات دفن کنیم، نه‌تنها اشتغال حفظ نخواهد شد، بلکه همین افراد به باری برس دوش دولت تبدیل خواهند شد. همچنین بخش خصوصی خواستار اجرای کامل قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار است. طبق این قانون، دستگاه‌های دولتی موظفند، بدون حضور نمایندگان بخش خصوصی، هیچ تصمیم اقتصادی کلانی

اتخاذ نکنند. اما متأسفانه این قانون اغلب نادیده گرفته می‌شود.

در این بین، اصلاح نظام مالیات کشور، یکی از محورهای جدی موردانتظار فعالان اقتصادی است. فشار مالیاتی عمده بر بخش شناسنامه‌دار اقتصاد، در حالی که فعالیت‌های زیرزمینی و غیررسمی از نظارت گریزان مانده‌اند، موجب اخلا در رقابت و تضعیف تولید شده است. وزارت امور اقتصادی و دارایی باید با گسترش پایه‌های مالیاتی، ایجاد شفافیت در فرایند رسیدگی و کاهش مواجهات سلیقه‌ای، عدالت و کارایی را در نظام مالیاتی کشور برقرار کند. بدون اعتماد و ثبات، نمی‌توان به رشد سرمایه‌گذاری و تولید امید بست. آنچه در ادامه می‌خوانید، نظر و درخواست برخی فعالان اقتصادی از وزارت اقتصاد است که به‌زعم آنها که توجهی به این الزامات، پیشروی در مسیر تولید و پایداری اقتصاد را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. یکی از مهم‌ترین مطالبات بخش خصوصی از دولت و به‌ویژه سکاندار جدید وزارت امور اقتصادی و دارایی، بازسازی اعتماد آسیب‌دیده فعالان اقتصادی نسبت به سیاست‌گذاری‌ها است. نوسانات مکرر و نبود ثبات در تصمیم‌گیری، موجب شده است فضای فعالیت برای بنگاه‌ها بیش از حد پرریسک و غیرقابل‌پیش‌بینی شود.